

سپاسگزاری از نعمت‌های الهی در کلام و سیره امام حسین علیه السلام

حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود حکیمیان*

اشاره

واژه سپاسگزاری، معادل واژه شکرگزاری است. واژه شکر، ۷۵ مرتبه در قرآن کریم و به شکل‌های مختلف آمده است؛ چنانکه خطاب به خاندان داوود علیهم السلام فرموده است: «اغْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ»^۱ ای آل داود شکرگزاری کنید، اما عده کمی از بندگان من شکرگزارند». واژه شکور در این آیه، صیغه مبالغه است و فزونی شکرگزاری و تکرار و تداوم آن با قلب، زبان و اعضا را می‌رساند. تعبیر «افراد کمی از بندگان من شکرگزارند»، ممکن است برای بیان عظمت مقام گروه شکرگزاران باشد که افراد نمونه‌ای هستند و با به این منظور باشد که کوشش کنید تا در زمره آنان در آید تا بر جمع شاکران افزوده شود.^۲ برای شکرگزاری سه مرحله بیان شده است: شکر قلبی که همان تصور نعمت و رضایت و خشنودی نسبت به آن است؛ شکر زبانی که ثنا گفتن نعمت‌دهنده است و شکر ارکانی که هماهنگ ساختن اعمال با اعضا و جوارح در برابر آن نعمت است. انبیا و اولیای الهی و به‌ویژه اباعبدالله الحسین علیه السلام، از جمله شکرگزاران درگاه باری تعالی هستند. در این مقاله سیره و کلام آن حضرت پیرامون سپاسگزاری از نعمت‌های الهی، شرح و بررسی می‌شود.

شکرگزاری زمینه‌ساز نعمت آینده

امام حسین علیه السلام شکرگزاری از نعمت‌ها را زمینه‌ساز نعمت آینده دانسته و فرموده است: «شُكْرُكَ

* دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج‌البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث.

۱. سبأ: ۱۳.

۲. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۸، ص ۴۲.

لِنِعْمَةٍ سَالِفَةٍ يَنْتَضِي نِعْمَةً آتِيَةً؛^۱ شکر تو بر نعمت گذشته، زمینه‌ساز نعمت آینده است». این سخن برخاسته از کلام وحی است که می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...»^۲ اگر سپاسگزاری کنید، قطعاً [نعمت] خود را بر شما می‌افزایم...».

شکر نعمت، نعمتت افزون کند
کفر، نعمت از کفایت بیرون کند^۳

آنچه از نعمت‌های الهی را که می‌شناسیم، در برابر آنچه که نمی‌شناسیم؛ قطره‌ای در برابر دریاست. نعمت‌های مادی و معنوی پروردگار آن‌چنان سر تا پای وجود و محیط زندگی ما را فرا گرفته است که قابل شمارش نیستند: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا»^۴ و اگر نعمت‌های خدا را شماره کنید، هرگز نمی‌توانید آن‌ها را به شماره آورید».

کنکاشی در کتاب‌های علوم طبیعی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، گیاه‌شناسی و... گویای آن است که دامنه نعمت‌های الهی بسیار گسترده است.^۵ به تعبیر سعدی، ادیب بزرگ ایران زمین: هر نفسی که فرو می‌رود، ممد حیات است و چون بر می‌آید، مفرح ذات؛ پس در هر نفسی، دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب

از دست و زبان که برآید
کز عهده شکرش به در آید^۶

بر اساس تحقیقات دانشمندان در بدن انسان، ۳۷ تریلیون سلول وجود دارد که رقم شگفت‌انگیزی است.^۷ این عدد به اندازه‌ای بزرگ است که فقط شمارش آن شاید صدها سال به طول انجامد. این، تنها بخشی از نعمت‌های خداوند نسبت به بشر است. خداوند در درون خون انسان دو دسته گلبول آفریده است؛ میلیون‌ها گلبول قرمز که وظیفه آن‌ها رساندن اکسیژن هوا برای سوخت و ساز سلول‌های بدن، و میلیون‌ها گلبول سفید که وظیفه آن‌ها پاسداری از سلامت

۱. حسین بن محمد حلوانی؛ نزهة الناظر و تنبيه الخاطر؛ ص ۸۰؛ محمود شریفی؛ موسوعة کلمات الامام الحسين عليه السلام؛ ص ۷۶۷.

۲. ابراهیم: ۷.

۳. ضرب‌المثل معروفی که با توجه به آیه ۷ سوره ابراهیم و از این بیت مولانا گرفته شده است:

شکر قدرت، قدرتت افزون کند
جبر، نعمت از کفایت بیرون کند

۴. ابراهیم: ۳۴.

۵. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۰، ص ۳۵۹.

۶. مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی؛ گلستان؛ ص ۴.

۷. خبرگزاری ایسنا؛ «بدن انسان چه تعداد سلول دارد؟»؛ ۱۳۹۴/۰۸/۲۵، کد خبر: ۹۴۰۸۲۵۱۴۹۰۸.

ما در مقابل هجوم میکروب‌ها به بدن است. عجیب‌تر اینکه آن‌ها بدون استراحت و خواب دائماً در حال خدمت به انسان هستند. آیا با این حال هرگز می‌توان نعمت‌های بی‌پایان خداوند را شمارش کرد و شکر یک از هزار آن را به‌جا آورد؟

فرهنگ دینی به پیروان خود می‌آموزد که هیچ چیزی همچون شکر، عامل تداوم و افزایش نعمت‌های الهی نیست؛ بنابراین در گام اول باید نعمت‌های الهی را شناخت و در گام دوم دانست که نعمت‌ها از آن خداست. در گام سوم باید توجه داشت که وظیفه داریم در مقابل این نعمت‌ها، شکرگزار باشیم و در گام چهارم، باید توفیق سپاسگزاری از درگاه خداوند را طلب کنیم. حال این سپاسگزاری می‌تواند به صورت قلبی یا زبانی و یا به صورت عملی و ارکانی باشد.

سجده شکر

رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار بر شتر بود. از شتر پیاده شد و پنج بار سجده کرد، سپس سوار شده و به راه خود ادامه داد.

حاضران پرسیدند: ای رسول خدا! این کار بی سابقه بود، چرا پنج سجده انجام دادی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «جبرئیل با من ملاقات کرد و پنج مژده به من داد، من پیاده شدم و برای هر یک از آن مژده‌ها یک سجده شکر به‌جا آوردم.»^۱

به یاد نعمت

هشام بن آحمر می‌گوید: همراه امام کاظم علیه السلام در اطراف مدینه، سوار بر مرکب بودیم. ناگاه امام کاظم علیه السلام به سجده افتاد و مدتی طول داد و سپس سر بلند کرد و سوار بر مرکب خود شد. عرض کردم: قربانت گردم! چرا سجده طولانی انجام دادی؟ فرمود: «إِنِّي ذَكَرْتُ نِعْمَةَ اللَّهِ بِهَا عَلَيَّ فَأُحِبُّهُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّي؛^۲ من هنگام حرکت به یاد نعمتی افتادم که خداوند به من عطا فرموده است، دوست داشتم پروردگارم را به سبب آن نعمت شکر کنم.»^۳

عرفه، عرفان شکرگزاری حسینی

در منظومه سخنان گوهریار اباعبدالله الحسین علیه السلام، چندین دعا به جای مانده است که

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی، ج ۲، ص ۹۸.
۲. محمد محمدی اشتهاردی؛ داستان دوستان؛ ص ۶۷۴.
۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی، ج ۲، ص ۹۸.
۴. محمد محمدی اشتهاردی؛ داستان دوستان؛ ص ۶۷۴.

معروف‌ترین و بلندآوازه‌ترین آن‌ها، دعای آن حضرت در روز عرفه و در صحرائی عرفات است. حضرت در بخشی از این دعا فرموده است: «وَإِنْ سَأَلْتِكَ أَعْظَمَتِي وَإِنْ أَعْطَيْتَكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي؛^۱ و اگر بخواهم از تو، به من عطا کنی و اگر اطاعتت کنم، شکرگزاری کنی و اگر سپاسگزاری ات کنم، بر من بیفزایی».

یکی از صفاتی که حضرت در این دعا برای خداوند ذکر کرده است، صفت شکر است: «وَإِنْ أَعْطَيْتَكَ شَكَرْتَنِي». امام علیه السلام در این بخش از دعای عرفه به شکرگزاری خداوند از بنده اشاره کرده است. در واقع تشکر، امری دوسویه است و خداوند به اندازه‌ای که بندگان در مسیر طاعت او گام بر می‌دارند، آن‌ها را مشمول مواهب و الطاف خویش می‌سازد، از آن‌ها تشکر و سپاسگزاری می‌کند و از فضل خود بیش از آنچه استحقاق دارند، بر آن‌ها می‌افزاید: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ؛^۲ اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاداش‌شان را به طور کامل می‌دهد و از فضل و احسان‌اش بر آنان می‌افزاید».

ابن‌منظور در معنای شکر می‌گوید: «شکر، شناخت احسان و نشر آن است که در وصف خدا و بنده هر دو آمده است».^۳ قرآن نیز در وصف خداوند می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ؛^۴ پروردگاران بسیار آمرزنده و عطاکننده پاداش فراوان در برابر عمل اندک است». همچنین در وصف بنده خود، حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا؛^۵ مسلماً او بنده‌ای بسیار سپاسگزار بود». البته شکرگزاری انسان هیچ‌گاه نمی‌تواند معنای واقعی به خود بگیرد؛ زیرا در برابر نعمت‌هایی که خداوند به انسان داده است، ستایش و سپاس او را نمی‌توان به جای آورد؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است:

به موسی علیه السلام وحی شد: «ای موسی! شکری که سزاوار من است، به جای آور». موسی علیه السلام عرض کرد: «پروردگارا! چگونه شکر کنم تا شایسته مقام احدیت تو باشد؛ در صورتی که همان شکر کردن به تو هم نعمت است و باید شکر آن را هم به جا بیاورم؟». خطاب آمد:

۱. علی بن موسی ابن‌طاووس؛ الإقبال بالأعمال الحسنة؛ ج ۲، ص ۷۶.

۲. نساء: ۱۷۳.

۳. محمد بن مکرّم ابن‌منظور؛ لسان العرب؛ ج ۴، ص ۴۲۳.

۴. فاطر: ۳۴.

۵. اسراء: ۳.

«ای موسی! همین حالا که گفתי این شکر هم نعمتی از جانب من است؛ شکر مرا ادا کردی.»^۱

امام حسین علیه السلام با عالی‌ترین مضامین به سپاسگزاری از معبود خود پرداخته و فرموده است: «كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالًا لَا نَعْمِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانًا إِلَيَّ؛ همه این لطف‌ها را فرمودی تا نعمت و احسانت را بر من به حد کمال رسانی». سپس در ادامه فرمود:

فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبْدِيٍّ مُعِيدٍ حَمِيدٍ مَجِيدٍ، وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَ عَظُمَتْ آلَاؤُكَ، فَأَيُّ أَنْعَمِكَ، يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدَدًا أَوْ ذِكْرًا، أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا، وَ هِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيهَا الْعَادُونَ، أَوْ يَتَلَعَّ عَلَمًا بِهَا الْحَافِظُونَ؛ پس منزهی تو، منزهی تو که آفریننده‌ای و باز گرداننده‌ای و ستوده‌ای و بزرگواری، نام‌هایت مقدس است و نعمت‌هایت بزرگ. خدایا! کدام یک از نعمت‌هایت را به شماره آورم و یاد کنم، یا برای کدام یک از عطاها به سپاسگزاری برخیزم؛ در حالی که پروردگارا، عطاهایت بیش از آن است که شماره‌گران برشمارند، یا اینکه یاددارندگان در دانش به آن‌ها برسند.

امام حسین علیه السلام در بخش دیگری از این دعا، جهت سپاسگزاری از خداوند به نعمت‌هایی اشاره می‌کند که خدا از ابتدای خلقت بدون هیچ منتهی در اختیار انسان قرار داده و او را به گونه‌ای خلق کرده است که بتواند از تمام نعمت‌های الهی در عالم بهره ببرد:

فَأَبْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيٍّ يُمْنِي، ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ، بَيْنَ لَحْمٍ وَ جَلْدٍ وَ دَمٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي بِخَلْقِي، وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي. ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي إِلَى الدُّنْيَا تَامِسًا سَوِيًّا، وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا، وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْعِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا، وَ عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَ كَفَّلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرَّحَائِمِ، وَ كَلَّأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ؛^۲ پس وجودم را پدید آوردی از نطفه ریخته شده و در تاریکی‌های سه‌گانه^۳ میان گوشت و خون و پوست جایم

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۹۸.

۲. علی بن موسی ابن طاووس؛ الإقبال بالأعمال الحسنة؛ ج ۲، ص ۷۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۷۵.

۴. تعبیر به «ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ؛ ظلمت‌های سه‌گانه» اشاره به ظلمت شکم مادر، ظلمت رحم و مشیمه (کیسه مخصوصی که جنین در آن قرار دارد) است که در حقیقت سه پرده ضخیم است که بر روی جنین کشیده شده است. همین معنا را امام باقر علیه السلام خطاب به مفضل بیان کرده است: «ای مفضل! سخن خود را با بیان آفرینش انسان آغاز می‌کنیم... تدبیر چنان شد که جنین، در رحم در پس سه ظلمت، پوشیده ماند: شکم، رحم و بجه‌دان». ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۹، ص ۳۸۴؛ مفضل بن عمر؛ توحید المفضل؛ تحقیق: مظفر کاظم، ص ۴۹.

دادی، و مرا در آفرینش وجودم گواه نگرفتی و چیزی از کار خلقتم را به من واگذار نمودی؛ سپس برای آنچه در علمت از هدایتم گذشته بود، مرا کامل به دنیا آوردی و در کودکی و خردسالی در میان گهواره محافظت نمودی، و از بین غذاها شیر گوارا نصیبم کردی و دل دایه‌ها را بر من مهربان نمودی، و مادران پر مهر را به پرستاری ام گماشتی، و از آسیب‌های پریان نگهداری فرمودی... .

حضرت با بیان این مطالب، درصدد است تا انسان‌ها را به اندیشه در خلقت خود دعوت کند تا با مشاهده آن نعمت‌ها، به خالق خود توجه پیدا کنند و بدانند که چه نعمت‌هایی در اختیار آنان است و فقط به کمبودها و عیب‌هایی که محصول خود انسان است، نیندیشند و از زیبایی‌های عالم لذت ببرند. بنابراین اگر دعای عرفه با این زاویه دید بررسی شود، سراسر شکر و سپاسگزاری از نعمت‌های الهی است. نمونه آن سوره «الرحمن» در قرآن کریم است که با برشمردن نعمت‌های الهی، انسان‌ها را به تدبیر در آن نعم فرا خوانده و به مبدأ آن نعمت سوق می‌دهد؛ چنانکه بعد از شمردن هر نعمت این‌گونه می‌فرماید: «فِي أَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»^۱ پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید». حضرت با این سخن، به دنبال آن است تا شوق بندگی را در بندگان ایجاد کند و حق سپاسگزاری بر هر نعمت را یاد آورد شود.

عاشورا، جلوه سپاسگزاری حسینی

سپاسگزاری، از واژه‌هایی است که در فرهنگ تمام انبیا و اولیای الهی رخ می‌نماید. یکی از نمونه‌های صبر و شکرگزاری به درگاه خداوند، حضرت ایوب علیه السلام^۲ است. در روایت آمده است که حضرت ایوب علیه السلام، فرزندان و ثروت فراوانی داشت و همیشه شکرگزار خدای خود بود تا اینکه شیطان خواست نشان بدهد شکرگزاری ایوب علیه السلام، به خاطر نعمت‌هایی است که به او داده شده است و با ابتلای به فقر و بیماری، شکرگزار نخواهد بود. از این رو خداوند به شیطان اجازه داد که بر دنیای او مسلط گردد. شیطان از خدا خواست اموال سرشار ایوب علیه السلام، زراعت، گوسفندانش و نیز فرزندان او از میان بروند و آفات و بلاها در مدت کوتاهی، آن‌ها را از میان برد؛^۳ اما ایوب علیه السلام هیچ‌گاه کُفر نرزید و به مدت هفت سال صبر نمود.^۴ همواره شکرگزار خدا

۱. الرحمن: ۱۳.

۲. سرگذشت حضرت ایوب علیه السلام در چندین سوره از قرآن آمده است؛ از جمله: آیه ۱۶۳ نساء، آیه ۸۴ انعام، آیات ۸۳ و ۸۴ انبیاء و آیات ۴۱ تا ۴۴ سوره ص.

۳. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۹، ص ۲۹۴.

۴. محمد بن علی صدوق؛ النخصال؛ ج ۲، ص ۳۹۹.

بود تا اینکه از خداوند کمک خواست و خدا نیز دعایش را مستجاب کرد^۱ و به تمام رنج‌هایش پایان داد و دولت و ثروتش را به او باز گرداند.^۲

سپاسگزاری و شاکر بودن، یکی از مهم‌ترین رموز موفقیت در انسان‌های موفق است. این ویژگی به صورت عام در سراسر زندگی حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام جلوه‌نمایی می‌کند و به طور خاص در جریان کربلا رخ می‌نماید؛ تا آنجا که حضرت، فرزندان و یاران باوفایش در سخت‌ترین شرایط، لحظه‌ای زبان به شکایت نگشودند و در همه حال شکرگزار خداوند متعال بودند. در این بخش به برخی از صحنه‌های شکرگزاری امام علیه السلام در حوادث کربلا اشاره می‌شود.

۱. سپاسگزاری از نعمت نبوت

امام زین‌العابدین علیه السلام می‌فرماید:

[غروب عاشورا بود] من با آنکه بیمار بودم، نزدیک رفتم تا سخنان پدرم با اصحاب را بشنوم. امام حسین علیه السلام یاران خویش را جمع کرد و به ایشان فرمود: «أُثْنِي عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ وَ أَحْمَدُهُ عَلَى السَّوَاءِ وَ الصَّرَاءِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالثُّبُوتِ؛ بهترین ستایش‌ها را به پیشگاه خداوند عرضه می‌دارم و در سختی و راحتی او را می‌ستایم. پروردگارا! من تو را سپاس می‌گویم که ما را با پیامبری گرامی داشتی؛» پیامبری که به تعبیر قرآن، الگوی زندگی بشریت است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛^۳ یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است».

۲. سپاسگزاری در آموختن قرآن

حضرت در ادامه سپاسگزاری خود فرمود: «وَ عَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ؛ و [سپاسگزارم که] قرآن به ما آموختی؛» قرآنی که راه هدایت را به ما می‌آموزد و ما را به صراط مستقیم هدایت می‌کند: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا؛^۴ بی‌تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت می‌کند، و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که برای آنان پاداشی بزرگ است».

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۱۲، ص ۳۵۰ و ۳۵۱.

۲. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۹، ص ۲۹۴.

۳. احزاب: ۲۱.

۴. اسراء: ۹.

۳. سپاسگزاری در دین شناسی

امام حسین علیه السلام در ادامه سپاسگزاری از درگاه خداوند می‌فرماید: «وَفَقَّهْتَنَا فِي الدِّينِ وَ جَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعاً وَ أَبْصَاراً وَ أَفْبِدَةً فَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ»^۱ و ما را در دین فقیه قرار دادی و برای ما چشم و گوش (بینش و شنوایی) و دل قرار دادی. پس ما را در زمره سپاسگزاران قرار بده. از آنجایی که دین، نسخه تکامل انسان است و می‌تواند در صورت حضور هم فرد و هم جامعه را به رشد و تعالی برساند و هم دنیا و آخرت او را اصلاح کند، امام علیه السلام به این مهم اشاره کرده و در مقام سپاسگزاری از درگاه خداوند بر آمده و به انسان‌ها آموخته است که ارزش دین تا به کجاست.

۴. سپاسگزاری در لحظه جان دادن

اباعبدالله الحسین علیه السلام از سپاسگزاری در درگاه خداوند، لحظه‌ای غافل نشد و در آخرین لحظات عمر گرانبهایش با خدای خود این‌گونه مناجات کرد:

اللَّهُمَّ! مُتَعَالَى الْمَكَانِ، عَظِيمَ الْجَبَرُوتِ... قَرِيبٌ إِذَا دُعِيتَ، مُحِيطٌ بِمَا خَلَقْتَ، قَابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تَابَ إِلَيْكَ، قَادِرٌ عَلَى مَا أَرَدْتَ، وَ مُدْرِكٌ مَا طَلَبْتَ، وَ شَكُورٌ إِذَا شُكِرْتَ... فَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا فَرْجاً وَ مَخْرَجاً بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۲ خدایا! ای بلند جایگاه! بزرگ جبروت!... هر گاه تو را بخوانند، نزدیکی؛ بر آفریده‌ها احاطه داری؛ توبه‌پذیر توبه‌کنندگانی؛ بر هر چه اراده کنی، توانایی؛ و به هر چه بخوانی، می‌رسی؛ چون سپاست گویند، سپاسگزاری... پس در کار ما گشایش و برون‌رفتی قرار ده به مهربانیت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

آن‌گاه افزود: «صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ يَا رَبِّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ... احْكُم بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ؛ پروردگارا! بر قضا و قدرت شکیبایی می‌ورزم، معبودی جز تو نیست، ای فریادرس دادخواهان!... میان ما و اینان داوری کن که تو بهترین داورانی» و در حالی این جهان فانی را وداع کرد که زبان شکور داشت و خداوند را بر نعمات مادی و معنوی سپاس‌گوی بود.

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری؛ روضة الواعظین و بصيرة المتعظین؛ ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. محمد باقر، مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۹۸، ص ۳۴۸.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن بابویه، محمد بن علی؛ الخصال؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ چاپ اول، قم: ناشر جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی؛ الإقبال بالأعمال الحسنة؛ چاپ اول، قم: ناشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ تحقیق جمال الدین میردامادی؛ چاپ سوم، بیروت: ناشر دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۴. حافظ شیرازی، شمس الدین محمد؛ دیوان حافظ؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات پارامیس، ۱۳۸۹ ش.
۵. حلوانی، حسین بن محمد؛ نزهة الناظر و تنبيه الخاطر؛ تحقیق مدرسة الإمام المهدي علیه السلام؛ چاپ اول، قم: مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، ۱۴۰۸ق.
۶. سعدی شیرازی، مُصلح بن عبدالله؛ گلستان؛ به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ سوم، [بی جا]: انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۶۴ ش.
۷. شریفی، محمود؛ موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام؛ چاپ اول، قم: نشر معروف، ۱۳۷۳ ش.
۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد؛ روضة الواعظین و بصیرة المتعظین؛ چاپ اول، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ ش.
۹. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۰. محمدی اشتهاردی، محمد؛ داستان دوستان؛ چاپ هشتم، ویرایش دوم، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۴۰۰ ش.
۱۱. مفضل بن عمر؛ توحید المفضل؛ تحقیق: کاظم مظفر؛ چاپ سوم، قم: انتشارات داوری، [بی تا].
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.

سایت

خبرگزاری ایسنا؛ «بدن انسان چه تعداد سلول دارد؟»؛ ۱۳۹۴/۰۸/۲۵، کد خبر: ۹۴۰۸۲۵۱۴۹۰۸